

فریدون آدمیت از برجسته‌ترین روشنفکران و مورخان روزگار ما بود. در هر دو زمینه اصلی واحد راهنمای ذهن و زبان او بود. حقیقت را می‌طلبید و آنچه را که حقیقت می‌دانست بی‌کم و کاست نه تنها با خوانندگان که با صاحبان قدرت و شوکت در میان می‌گذاشت.

کارش به عنوان مورخ در مفهوم دقیق کلمه تجسم روش‌شناسی علمی تجدد بود. ایجاز کلامش، دقت و وسواسش در بیان یافته‌هایش، و بالاخره بی‌پروایی‌اش در معارضه با «مذهب مختار» زمان همه از ارکان شناخت‌شناسی تجدداند. اهمیت نقش فرد در تاریخ را نیک می‌شناخت و امپریکیر و ایران‌اش نمونه برجسته‌ای از کاوش در زندگی اجتماعی یکی از این افراد است.

در عین حال می‌دانست که مفروضات تاریخی «مسلم» زمان همواره محتاج بازاندیشی و بازنگری‌اند. نسلی از مورخان داخلی و خارجی مدعی بودند که شورش تنباکو را روحانیون نجف به راه انداختند و او با تکیه به اسناد و دستخط‌ها نشان داد که واقعیت از لونی دیگر بود. ثابت کرد که تجار و کسبه بازار ایرانی ماجرای اعتصاب را به راه انداختند و حتی فتوای روحانیون نجف را جعل کردند و این روحانیون وقتی دریافتند که جنبشی به نام آنان آغاز شده، رهبری‌اش را مشتاقانه پذیرفتند.

محور آثار او با روش کارش همخوانی کامل داشت. می‌خواست تجربه انقلاب مشروطیت را بسان تلاش تجددخواهی ایرانیان بازشناسد. گرچه گمانش در مورد جوهر غربی تجدد و در مورد واماندگی سنت ایران را می‌توان شوهی تفکر غرب - محور دانست، گرچه گاه در راه وصف تجربه غرب به ستایشی اغراق‌آمیز دچار می‌شد، اما در حل‌الجی چند و چون تجربه مشروطیت ایرانی کاری کارستان کرد. سنت خطرناک صدور احکام متقن براساس افواهیات یا دل‌بستگی‌های شخصی یا ایدئولوژیک را وانهاد و بجای آن رسم تکیه بر اسناد - آنهم اسناد طراز اول مربوط به مسأله مورد بحث را پیشه کرد و پیشکسوت شد.

میراث کارش به عنوان روشنفکر هم سخت ارزشمند بود. این جا هم رسم رایج روشنفکری را، که برخاسته از تجربه و مفاهیم روسی بود و روشنفکر را صرفاً معاند قدرت می‌دانست، بر نمی‌تابید. هم روشنفکر بود و ماند و هم حاضر شد در بافت قدرت زمان نقشی هر چند حاشیه‌ای بازی کند. اما حتی در زمانی که جزئی حاشیه‌ای از قدرت بود، از بازگفت حقیقت به صاحبان قدرت ابائی نداشت. رسم خرقه‌بخشی و خرقه‌پرستی را هم جایز روشنفکران نمی‌دانست و باکی نداشت که امثال آل‌احمد و برادرش را (که از سایه نام جلال آل‌احمد نان می‌خورد و آستانه قدرتمندان را به سودای جیره و مواجی می‌بوسید) نقد کند و تأثیر زبان‌بارکلی‌گویی‌های اولی و سفلی‌گویی دومی را برگزید.

فریدون آدمیت فرزند خلف تجدد ایران و کاوشگر پیشگام این تجربه بود و خود هم در زندگی و آثارش برجسته‌ترین سجایای فکری و اخلاقی روشنفکر متجدد را تجلی می‌بخشید. شاید روزگار زبونی که در آن می‌زیست قدرش را آنچنان که باید و شاید نشناخت ولی بعید بتوان تصور کرد که تاریخ هم که بالمآل سهم هر کس و ناکس را در حد بضاعت و لیاقتش تعیین می‌کند به اندازه روزگار آدمیت به او جفا کند.

۳۱ مارس ۲۰۰۸